

بیانیهٔ ۱۹۱ چهرهٔ دانشگاهی اصول‌گرا، اصلاح‌طلب و مستقل دربارهٔ بایسته‌های دفاع میهنی

روزایستادن پای ایران است

۱۹۱ نفر از دانشگاهیان و فعالان اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در طیف وسیعی از نیروهای سیاسی و فکری متکثر با انتشار بیانیه‌ای به چهاربایسته برای حفاظت از ایران و همبستگی ملی در شرایط شکنندگی آتش‌بس پرداختند. حفظ و گشودن چتر همبستگی ملی در دفاع میهنی با فرماندهی مشترک واحد، توجه به عوامل کلان‌ساختاری ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در تمهید آمادگی برای همه سناریوها، فوریت خلق رضایت عمومی در چهارچوب اصلاحات واقع‌نگرانه و ضرورت مقاومت در مقابل تعلیق کار و زندگی، عناوین این چهار بایسته را تشکیل می‌دهند. در میان امضاکنندگان نام‌هایی همچون: ماشاء‌الله شمس‌الواعظین، بیژن عبدالکریمی، محمد درویش، حمیدرضا جلاتی‌پور، احسان خاندوزی، الیاس حضرتی، علی سرزعیم، محسن بهاروند، محسن یزدان‌پناه، محمدرضا جوادی‌یگانه، محمدمهدی مجاهدی، محمدرضا جلاتی‌پور، علی باقری، علی صناعی، علی مروی، صادق امامیان، مجید شاکری، علی‌آزمد، بهاره آروین، محمد مروتی، رضا نصری، علی نصری، نسیم نوروزی، سیدجواد میری، میلاد گودرزی، مصطفی‌زمانیان، سجاد صفارهرزندی، اسماعیل گرامی‌مقدم، علی نصیری‌ا قدم، کمیل قیدرلو، مسعود شادانام، محمدامین صمیمی، ابراهیم اسکافی، جعفر خیرخواهان، نادر صدیقی، برزین جعفرناش، حجت نظری، مازیار بالایی، سعید نورمحمدی، دیاکو حسینی، محمدرضا داوودالحسینی، رضا تهرانی، فرشید گلزاده، محمد عطریانفر، محمدحسین نعیمی‌پور، علی هنری، محمدامین نیکجو، امین کاوه‌ای و مرضیه آذرافرازآیدیه می‌شود.

■ ■ ■

به نام خدای مهربان و عادل
مردم عزیز ایران!
نیروهای اجتماعی و سیاسی هم‌وطن!
جنگ تحمیل‌شده دوازده‌روزه، قدرت و تمامیت ایران عزیز ما را نشانه گرفته بود. در عین توفیق در تحمیل آتش‌بس به متجاوز و حفظ ایران، در این دفاع میهنی بیش از هزار شهید و جان عزیز، اعم از سربازان وطن و هم‌وطنان غیرنظامی و بخشی از قوای نظامی ایران از دست رفت و در مقابل نیز لطماتی سنگین به دشمن متجاوز و دکترین امنیتی مصونیت‌محورش وارد شد. متجاوز به ایران، دشمن اشغالگری است که بزرگ‌ترین نسل‌کشی و پاک‌سازی قومی قرن را مرتکب شده و با پشتیبانی شمالی جهانی ابایی از نقض همه قواعد و هنجارهای بین‌المللی و اخلاقی ندارد. در شرایط شکنندگی آتش‌بس و احتمال تداوم تلاش متجاوزان برای انواع تهدید و تضعیف ایران، توجه به چهار بایسته برای حفاظت از ایران و دفاع میهنی ضروری است.

۱ حفظ و گشودن چتر همبستگی ملی در دفاع میهنی با فرماندهی مشترک واحد و پرهیز از «سرزنش قربانی»: آنچه در زمان جنگ به یاری نیروهای دفاعی کشور آمد همبستگی خودجوشی بود که میان گروه‌های مختلف مردم برای دفاع در مقابل متجاوز شکل گرفت. کم نبودند افرادی که در مناسبات و حکمرانی داخلی هزینه داده بودند، اما با تمام وجود در کارزار دفاع میهنی وارد میدان بسیج همبستگی شدند. بدین‌سان همبستگی‌ای شکل گرفت که گروه‌ای متنوع را در دفاع از میهن هم‌صدا کرد. باید این همبستگی هم از طرف حکمرانان و هم از طرف بازیگران سیاسی حفظ و فراگیرتر شود. باید از دوقطبی‌سازی در این فضای پس از آتش‌بس دوری کرد. نباید این همبستگی به نفع گروهی خاص مصادره شود. از سوی دیگر، روایت‌هایی که درنهایت در قالب «سرزنش قربانی» سیاست‌های ایران را عامل جنگ می‌خواند و واقعیت تجاوزکاری دشمنی جنایت‌پیشه را کمرنگ می‌کند و بعضاً در بیانیه‌هایی با نیت خیرخواهانه طرح شده است، مقدمه انشقاق و نزاع داخلی با نیت کاندنه توان ایران در برابر ایران‌ستیزان است. امروز زمان ارتقاگیری ملی است و نه صف‌آرایی‌های سیاست داخلی و جبهه‌سازی و تکرار مطالبات تحقق‌نیافتنی و سیاست‌ستیز. فشار جنگ باید اهرم

برای احمد توکلی و میراث او

اصلاح از درون شدنی است

ادامه از صفحه یک

یکم: منتقد صریح وضع موجود

احمد توکلی به معنای واقعی کلمه در نقد وضع موجود پیشگام بود، او با وجود سابقه انقلابی و پایمردی بر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی چه در زیست شخصی و چه در ظهور و بروز سیاسی، هیچ‌گاه ابردها، تضادها، مشکلات و چالش‌های موجود را کتمان نمی‌کرد و یک عدالت‌خواه واقعی بود. در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی به نقد رئیس‌جمهور تبدیل به تائب‌شده بود و همه جریان‌ها مثل یک قانون‌ناوخته آن را رعایت می‌کردند، توکلی به میدان رقابت با او پا گذاشت؛ نه برای اینکه دولت هاشمی را چهارساله کند، بلکه برای شکست سکوت راست و چپ. برای فهم فضای سیاسی آن روزگار مرور دو نکته ضروری است؛ یکی بایکوت توکلی در روزنامه رسالت در آن مقطع تاریخی درحالی‌که او مؤسس و

سردبیر آن رسانه بود، به‌خاطر نقدهای صریحش به هاشمی و دومی مانع‌تولز یون‌وقت از پخش نطق انتخاباتی توکلی به همین جرم. دست‌آخر آن نطق تلویزیونی با دستور بالاتر از مدیریت تلویزیون پخش می‌شود ولی قبل از پخش، حسایی از خجالت محتوای آن درآمدند. توکلی زمانی جریان «نه به هاشمی» را کلید زده بود که «هم‌خون»‌های او در سیاست تماشاگر تحولات بودند. سرنوشت «تماشاگران» در انتخابات ۷۶ شکست تاریخی بود درحالی‌که تصور می‌کردند به‌راحتی رقابت را می‌برند. انتخابات مجلس پنجم و ششم به ترتیب نسخه ضعیف و قوی شرایطی است که نشان می‌دهد پرچم نقد وضع موجود در اختیار کسانی قرار گرفته بود که نسخه‌های رادیکال‌برای خروج از چالش‌ها داشتند. توکلی سال ۸۰ بار دیگر وارد رقابت با رئیس‌جمهور وقت شد و بعد‌ها گفت در آن زمان هم بر همان مدار «نه به هاشمی» ماند. فضای سیاسی رادیکال آن زمان حاصل جمع «انفعال» جریان راست و «تندروی» چپ‌ها بود. نقطه اشتراک این دو‌روند خروج سیاست از «نقد وضع موجود» و تلاش برای راهگشایی درون سیستم بود. فریاد خاتمی در ۱۶ آذر دانشگاه تهران



تقویت جبهه ملی و فراگیر دفاع میهنی شود و نه اهرم حذف بخشی از متحدان و ناممکن‌سازی توافق و همبستگی‌شان.

۲ توسعه، امنیت و مذاکره: دستگاه مذاکراتی کشور مشغول کار و تلاش خود است. باید به آن اعتماد داشت و از تحرک و ابتکارات آن پشتیبانی کرد. ضمن امید به تحقق بهترین سناریوها و فرصت‌سازی برای تحققش، باید برای بدترین سناریوها هم آمادگی ساخت. نباید از مذاکره گریخت، اما باید توجه داشت که مذاکرات لزوماً به این معنا نیست که طرف مذاکره از تلاش برای تضعیف ایران دست برداشته است. تجارب مختلفی در ایران و کشورهای منطقه ازجمله کودتای ۲۸ مرداد علیه دولتی ملی که به دنبال تعامل با غرب بود تا تسلط مبتنی بر زور بر منابع نفتی کشورهای مختلف منطقه نمونه‌های گویایی ست که نشان می‌دهد اِعمالِ حاکمیت مستقل بر منابع و سرنوشت کشورها می‌تواند در بستر تاریخی خود از موانع تأمین منافع قدرت‌های جهانی تلقی شود. توسعه اقتصادی برخی کشورهای شرقی و جنوب جهانی در تعامل با قدرت‌های غربی را نیز نمی‌توان صرفاً محصول توانمندی آن‌ها در مذاکره موفق و تقاضم با قدرت‌های غربی دانست، بلکه عوامل مختلف ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک نقش مهمی در آسان‌سازی یک بازی همراستا با منافع قدرت‌های غربی ایفا کرده است که در ژئوپلیتیک غرب آسیا و نزدیک به اسرائیل و در کمربند حد فاصل چین تا اروپا قابل رونویسی نیست. درواقع مدل توسعه این قبیل کشورها نسخه‌ای است که موفقیت آن در تاریخ معاصر مشروط به پذیرش جایگاهی مشخص در ساختار امنیتی یک قدرت مسلط بوده است. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی مسیر سختی برای دفاع از یکپارچگی و قدرتش و ساختن تواف‌های توسعه‌پور را با کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی دارد. تا اطلاع ثانوی ایران در دکترین امنیتی قدرت‌های غربی نه یک «متحد بالقوه» بلکه «رقیب نیازمند مهار» است. عقلانیت حکم می‌کند که برای تغییر این معادله تلاش کنیم، اما فروکاستن این زمینه‌ساختاری به یک «سوءتفاهم» قابل حل از طریق اعتمادسازی یک طرفه، چشم بستن بر واقعیات تاریخی و استراتژیک است. در چنین شرایطی، محتمل است که آمریکا شرط اصلی اعتمادسازی را تضعیف مؤلفه‌های قدرت سخت ایران قرار دهد. علاوه بر این، باید تا اطلاع ثانوی رابطه ویژه و مستحکم میان آمریکا و اسرائیل را به عنوان یک ثابت دران رهبردی در نظر گرفت. این دو، در عین این‌که می‌توانند در بعضی اهداف اختلاف نظر داشته باشند، امروز در هدف تضعیف ایران و تضمین برتری منطقه‌ای اسرائیل هم‌داستانند. این رابطه یک ائتلاف عادی نیست، بلکه ساختاری ریشه‌دار در سیاست



داخلی آمریکاست که از حمایت مطلق و فراجحای برخوردار است. زخم تازه‌ای که با هماهنگی این دو-علی‌رغم تظاهر به اختلاف نظر – بر پیکر ایران وارد شد، به روشنی نشان می‌دهد که «اطمینان» به ایجاد شکاف در این ائتلاف از طریق دیپلماسی، یک خطای راهبردی است. با این وجود، هدف‌گیری هر حد از شکاف بیشتر میان این دو ارزش راهبردی دارد. بنابراین، هرگونه تعامل باید با هوشیاری کامل و با فرض بدترین سناریو و تداوم این ائتلاف دنبال شود و طرح‌های بدیل برای هر سناریویی آماده باشد. در این فرض، امنیت برای کشوری با موقعیت ژئوپلیتیک ایران با اعتمادسازی یک جانبه حاصل نمی‌شود. مسیر ایجابی و واقع‌نگرانه، تقویت هم‌زمان همه مؤلفه‌های قدرت ملی ایران – نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و رضایت عمومی شهروندان – و دستیابی به امنیت مبتنی بر انواع بازدارندگی معتبر است و طراحی ائتلاف‌ها و بازی‌های برد-برد جدید در منطقه. در سایه چنین امنیتی است که می‌توان فضای باثباتی برای توسعه و اصلاحات اقتصادی و سیاسی فراهم کرد. این بازدارندگی ترکیبی، هدف نیست، بلکه پیش‌نیاز و ابزاری ضروری برای رسیدن به همان توسعه فراگیر و ثباتی است که همه ما خواهان آن هستیم.

۳ فوریت خلق رضایت عمومی در چهارچوب اصلاحات
واقع‌نگرانه: در طول سال‌ها لیستی از انواع اصلاحات ساختاری توسط دغدغه‌مندان طرح شده اما عمدتاً به نتیجه نرسیده است. امروز چه باید کرد؟ برای پاسخ به این سؤال هم باید به چرایی بی‌نتیجه بودن تلاش‌های قبلی اندیشید و هم به وضعیت بسیار خاص جنگی. نظام اقتصادی –اجتماعی امروز متشکل از نهادها و ذی‌نفعان گوناگون است. انتظار اصلاحات باید واقع‌نگرانه باشد: ساختن دستاوردهای پرشمار کوچک و بزرگ کردن آن‌ها؛ ازجمله تلاش برای بازگشت مرجعیت رسانه‌ای به رسانه ملی و ارتقای حکمرانی در فضای مجازی (که اقتضای کاهش نارضایتی و تهدیدهای امنیتی است). امروز به جای مطالبه بی‌حاصل اصلاحات بزرگ، دفعی، کلی و نشدنی و تبدیل آن‌ها به مناشه سیاسی، باید از نیروی آژنده از جنگ برای ساختن تواف‌های حل مسئله‌ای و دستاوردهای ممکن بهره برد. هم در تقویت توان دفاعی کشور و هم در اصلاح امور اقتصاد و هم در اصلاح رابطه دولت و ملت.

۴ مقاومت در مقابل تعلیق کار و زندگی: یکی از اهداف بزرگ جنگ، تحمیل وضعیت تعلیق و ناطمینانی و بی‌ثباتی و بی‌اقتی به کشور است، به نحوی که انگیزه زندگی و کار و خلق ثروت و قدرت از بین برود، مصرف کالا‌های بادوام و خدمات سقوط کند و چرخه‌های اقتصادی متوقف شود. آسیب‌های این اثر انتظاری بیش از آسیب‌های جنگ مفروضی

است که می‌تواند در آینده رخ دهد. در این شرایط «مقاومت در مقابل تعلیق»، «بازگشت به زندگی» و کمک به «خلق افق‌های روشن» که برای مردم ایران و کشورهای منطقه و جدآور باشد یک ضرورت همگانی است؛ از سیاست‌های اقتصادی محرک تقاضا تا کنش‌های اجتماعی برای حفظ روند کار مولد و روح زندگی در ایران.

امضاکنندگان:

ابصالح تقی‌زاده‌طبری، ابراهیم اسکافی، ابراهیم آزادگان، احمد ذوالفقاری، احمدرضا احسانیان، احسان راکعی، اسماعیل گرامی‌مقدم، الیاس حضرتی، امید مهدی‌نژاد، امیر کیومرث‌سی، امیرعباس امامی، امیرمحمد اصفهانی، امین انصاری، امین کاوه‌ای، امین نوربخش، امیر ذاکری، آرش سالار، آرین طاهری، برزین جعفرناش، بهاره آروین، بهزاد بابازاده‌خراسانی، بهنام ذوقی، پویان فخرایی، پیام افشاردوست، پیام طهمورث‌پور، توفیق حسین‌زاده، جعفر خیرخواهان، حامد شفیعی، حامد صاحب‌هنر، حجت نظری، حامد وفایی، حسن چنارانی، حسین اصلی‌پور، حسن بوژمهرانی، حسین سپهوند، حسین عسکری، حمید رضا فولادگر، حمیدرضا جلاتی‌پور، دیاکو حسینی، رضا اسدی‌فرد، رضا امیدوار نصریشی، رضا یختیاری‌نژاد، رضا تهرانی، رضا سهرابی، رضا نامداری، رضا تهرانی، روح‌الله اسامی، روح‌الله هنروز، روح‌اله ابوجعفری، زهرا ابوالحسنی، سامان یوسفوند، سجاد صفارهرندی، سعید تجریشی، سعید حسن‌زاده، سعید سیدحسین‌زاده، سعید طاوسی‌مسرور، سعید کلاتی، سعید نریمان، سعید نورمحمدی، سعید یغموری، سمیه جلیلی، سیداحسان خاندوزی، سیدرضا میرنظامی، سیدعباس عباسپور، سیدعقیل حسینی، سیدعلی روحانی، سیدمجید میری، سیدمحمدرضا حسینی، سیدمحمدحسین فاطمی، سیدمحمدصادق امامیان، سیدحسین شهرستانی، سیدمحمد حسینی‌فرد، سیدمحمدرضا داودالحسینی، سینا کلهر، شهاب طلائی، شیرین بغدادی، صابر جعفری، صالح قاسمی، عارف صفوی، عبدالغفور، عبدالرزاق، عبدالرسلطو، علی اصغر کاردار بلاش، علی‌آزمد، علی باقری، علی پورخیری، علی جعفری، علی سرزعیم، علی صناعی، علی فتوتیان، علی قلی‌زاده، علی مروی، علی نصری، علی نصیری‌ا قدم، علی نعمت‌پور، علی تقیه، علی هنری، علیرضا بهبهانی، علیرضا خامسیان، علیرضا فتاح، علیرضا مجیدی، علیرضا نفیسی، علیرضا شاهمیرزایی، علی‌تقی قانلی‌نیک، فاطمه توفیقی، فاطمه دلاوری‌پاریزی، فاضل مریدی، فاطمه رایگانی، فرشید گلزاده، فرید مرجایی، فرهاد قدوسی، کمیل سوهانی، کمیل قیدرلو، مازیار بالایی، ماشاء‌الله شمس‌الواعظین، مجتبی بیات، مجتبی تاوگر، مجید الماسی، مجتبی امیری، مجید سیاوشی، مجید شاکری، مجید مختاری‌پور، مجید یونسیان، محسن بهاروند، محسن ردادی، محسن صوریان، محسن فتح الهی، محسن محمدی‌ایوانکی، محسن یزدان‌پناه، محمدامین صمیمی، محمدجواد اشرفی، محمدحسین خرامایی، محمد حق‌پناهی، محمد درویش، محمد عطایی، محمد عطریانفر، محمد فکری، محمد قمری حبشی، محمد مروتی، محمدمهدی جعفریان، محمدمهدی ذوالفقارزاده، محمد نوروزی، محمدامین رشیدی، محمدامین نیکجو، محمدحسین نعیمی‌پور، محمدرضا جلاتی‌پور، محمدرضا جوادی‌یگانه، محمدرضا وحیدزاده، محمدصادق صارمی، محمدعلی خادم‌سهی، محمدعلی رستگارسرخه، محمدمهدی مجاهدی، محمدهاشم سمّتی، مرتضی روحانی‌راوری، مرضیه آذرافرا، مرضیه ثقیان، مرضیه نجابت، مسعود اخوان، مسعود درودی، مسعود سالاری، مسعودشادنام، مصطفی زالی، مصطفی‌زمانیان، مصطفی غفاری، منابرعی، منصور ملکی، مهدی اشعری، مهدی احمدی، مهدی جمارانی، مهدی خسروی، مهدی رزم‌آهنگ، مهدی زینالی، مهدی دلدانی‌مهربانی، مهدی قاسمی، مهدی قربانیان، مهدی کوهیان، مهدی گلدانی، مهدی منتظرالقائم، میترا جلوداری، میثم پیل‌فروش، میثم نسیمی، میثم مهدیار، میلاد ترابی‌فرد، میلاد گودرزی، مینو خان‌زاده، نادر صدیقی، نسیم نوروزی، هاجر اخشیک، سیدجواد میری، بیژن عبدالکریمی، محمدتقی جان‌محمدی، مصطفی موسوی‌لاری.

سیاسی اسلام را در گروی بسط عدالت می‌دانست، با تمام وجود به حفظ و حراست از تمام ظرفیت‌های ایران برای پیشرفت ایران اعتقاد داشت. انسدادطلب‌ها با نقی مشکل و رد ایده‌های اصلاحی به رادیکال‌ها کمک می‌کنند و رادیکال‌ها با ضربه زدن به ستون‌های ساختار قدرت و طرح ایده‌های ساختارشکن مانند تنفس مصنوعی به متحجرانند. راه اما به میدان آمدن نیروهای اصلاح‌گری است که اول مشکل را نقی نکنند و بعد با به‌رسمیت‌شناختن منافع عمومی، ایده‌های همگرا را به صحنه بیاورند. احمد توکلی در روش و منش و هدف‌گذاری یک اصلاح‌گر مهم بود.

چهارم: کلید اصلاح از درون؛ واقع‌گرایی

نقطه مهم تفاوت تحول‌خواهان اما واقع‌گرایی است. واقع‌گرایی امیدبخش است، ضدانسداد عمل می‌کند. چگونه؟ فقط نفی نمی‌کند که ناامیدی تزریق کند. توجه نمی‌کند که راه اصلاح را ببند. ایده جایگزین دارد تا انفعال متولد نشود. ازاین جهت «واقع‌گرایانه» تدرت‌نیز نقدها را طرح می‌کند و «آرمان‌خواهانه» ارزش‌های بنیادین را در دست می‌گیرد. اصلاح از درون بدون تضمین کارآمدی و بسط ایده‌های وحدت‌بخش عمومی ممکن نیست، حتی استکبارستیزی و تقابل با دشمن باید از این مسیر پیگیری شود. شاید مجموعه نامه‌ها و مکاتبات احمد توکلی با اسران کشور در طول دهه‌ها، ده‌ها جلد کتاب شود. او اصرار داشت فقط نفی‌کننده خطاها نباشد و راهی برای اصلاح روندها ارائه دهد. با همه راه‌های او موافق هستیم؟ قطعاً خیر. اما مهم تلاش و تمرکز او بر حفظ یک کلان ایده است. اینکه نمی‌توان به کشتی در حال حرکت فقط ایراد گرفت و آن را منفعل کرد، بلکه باید راه جایگزین به او داد. راه‌هایی که مثل بعضی نمایش‌های مرسوم سیاسی نباشد و با واقعیت تناسب داشته باشد. ریشه بسیاری از چالش‌های توکلی از جرایم متحجر همین جاست. جایی که او واقعیت میدانی را نفی نمی‌کرد. خداوند او را به جهت سال‌ها مجاهدت بر این مسیر و دل‌بستگی او به ایران و انقلاب مورد غفران قرار دهد.